

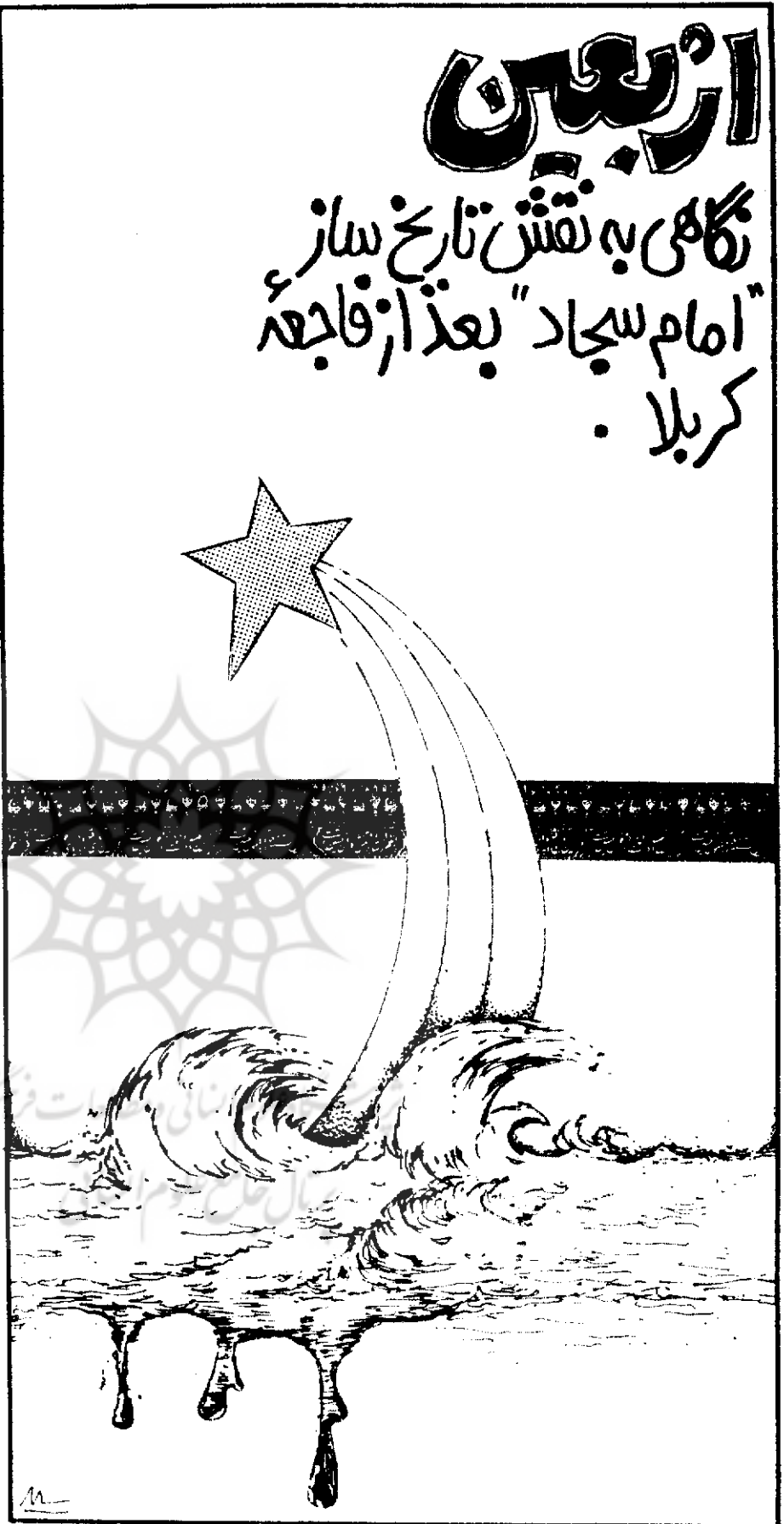
# اربعین

گاهی به نقش تاریخ ساز  
"امام سجاد" بعد از فاجعه  
کربلا .

\* امام چهارم علی بن الحسین  
(ع) بعد از حادثه عاشورا هروقت  
کنار سفره افطار می نشست و یا  
غذا و آبی را می دید از چشمان  
مبارکش اشک جاری می شد و  
می گفت پسر رسول الله (ص) را  
با شکم گرسنه و لبهای تشنه  
شهادت کردند.

در آستانه اربعین حسینی بر آن شدیم تا فواری  
هر چند مختصر از نقش تاریخ ساز امام سجاد (ع) را  
بعد از حادثه خونین کربلا برای شیفتگان ولایت اهل  
بیت (ع) یادآور شویم باشد تا با الهام از پندها و تشبیه  
و فراز زندگی آن حضرت پیام رسانی لایق، برای  
انقلاب اسلامی خوبارمان باشیم. و اما نمایانند  
چهره پرفروغ و چهارمین اختر آسمان ولایت امام  
زین العابدین (ع) دشوارتر و پیچیده تر از آن است  
که در مقاله ای مختصر بیان شود زیرا ترسیم چهره  
راستین و شخصیت بزرگ او با در نظر گرفتن تمام  
رویدادها و حوادث طوفانی عصر آن حضرت و  
زندگی سراسر رنج و اندوهش قلمی رساو مباحثی  
متعدد لازم دارد. برای آشنائی هر چند مختصر  
بازنگانی سیدالساچدین (ع) باید زندگی امام را با  
در نظر گرفتن چهره هائی که از امام در شرایط و عصر  
پرنوسانتش جلوه گر شده و شخصیت او را گاهی  
در لباس دعا و عبادت، زمانی در لباس انفاق و  
دستگیری و سرپرستی از درمانده گان،  
ستمدیده گان، بیچاره گان، و ایتم و گاهی هم در لباس  
آمو زگار بزرگ اخلاق و فضائل علمی انسانی و...  
ترسیم کرد. تا عظمت و سازندگی کاری را که امام  
در آن زمان و در آن محیط دشوار که همه چیز غیر  
ممکن بود انجام داد. باز شناساند و تلاش طاقت فرسا  
و پیکار مداوم آن حضرت را بر ضد بیداد و فساد  
نمودار ساخت.

امام زین العابدین (ع) که تنها بازمانده رسالت  
و پاسدار آئین خدائی است نمی تواند در کنار  
روژی ستمکار و منحرف خاموش ماند زیرا همه



**\* امام زین العابدین (ع)**  
**بعد از فاجعه خونین کربلا**  
**در محیطی که ظلم و خفقان بر آن**  
**حاکم بود با تلاشی طاقت فرسا و**  
**پیکاری مداوم جنایات و فساد**  
**دستگاه اموی را با یادآوری**  
**مظلومیت ابي عبدالله (ع) نمودار**  
**ساخت.**

مسئولیت و پاسداری از آئین الهی متوجه اوست. او باید ندای خون پدر شهیدش را به گوش انسانهای خفته برساند و خاطره عاشورای حسین (ع) را که می رفت به فراموشی سپرده شود در یادها زنده نماید. امام با در نظر گرفتن شرایط خفقان، مبارزه خود را با شیوه و تاکتیک ویژه ای آغاز نمود و مسائل مختلف را با مضمون دعا و مناجات برای روشنگری مردم بیان می فرمود و تا بیست سال بعد از حادثه عاشورا هر وقت کنار سفره افطار می نشست و یا غذا و آبی را می دید از چشمانش اشک جاری می شد و می گفت: «قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ جَانِعًا وَقَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ عَطْشَانًا.....» پسر پیامبر (ص) را با شکم گرسنه و لب تشنه شهید کردند. امام (ع) با این روش مردم را از اعمال فجیع و خودکامگی دستگاه حاکم اموی آگاه می ساخت و خاطره فداکاری و شهادت سالار شهیدان و یاران با وفایش را در آن عصر ظلمانی اجیاء می کرد.

امام (ع) از هر فرصتی برای افشای جنایات دستگاه اموی استفاده می کرد. از جمله در ایام حج که همه مسلمانان از سراسر جهان در آنجا گرد می آمدند، در روزیکه جشن پایان مراسم حج و عید قربان برگزار می شد و همه مسرور و شادمان بودند، دیدن گروهی عزادار و گریان هزاران سؤال معنی دار را در ذهنها بوجود می آورد که این خود بهترین نوع مبارزه غیر مستقیم برای توجه افکار عمومی بر ضد جنایات اموی بود و امام باقر (ع) نیز برای تعقیب همین هدف و توجه دادن مردم به جنایات و ستمی که پراهل بیت رسول الله روا شده بود وصیت

می کند که تا دهسال در موسم حج (در منی) برای امام حسین و اهل بیت (ع) عزاداری کنند و گریه نمایند.

بعد از آنکه اشاره مختصری به نقش تاریخ ساز امام زین العابدین (ع) بعد از فاجعه کربلا داشتیم بهتر دیدیم با الهام از اربعین حسینی یکی از پندهایی را که آن حضرت به همه یاران و تبعیان خود می نمودند بازگو کنیم تا انشاءالله رهنمودهای آن حضرت قلمبان را به نورالله منور نماید و با الهام از نصایح و لحظه لحظه زندگی پیامبر عاشورای حسینی، رهرو راستین سالار شهیدان ابي عبدالله (ع) باشیم و چون مولایمان در حفظ و حراست از دستاوردهای خون زلال شهیدانمان لحظه ای درنگ نکنیم و پیام خونین انقلاب را با استقامت و بایرداری در برابر تهدید و ارعاب یزیدیان زمان و پیروان خوش باورش، به گوش انسانهای آزاده جهان برسانیم باشد تا با بیداری انسانها بساط ظلم اموی رخت بریندد و حکومتی الهی در سراسر جهان استقرار یابد.

پند امام زین العابدین (ع) به همه یاران و شیعه خد  
 ای مردم! از خدا بپرهیزید و بدانید که بسوی او باز می گردید، و هر کس هر چه از نیک و بد کرده

**\* ای مردم به دنیا تکیه نکنید**  
**زیرا دنیا خانه کوچ و منزل گذر**  
**و جایگاه عمل است، شما در آن**  
**از اعمال صالحه توشه بگیریید**  
**پیش از آنکه روزگارتان**  
**پراکنده شود و بهم خورد.**

پیش خود دریابد با اینکه دوست دارد میان او و کار بدش فاصله دوری باشد، و خدا شما، از خود بر حذر می دارد، وای بر تو ای آدمیزاد! غافل که تحت نظری، مرگت زودتر از هر چیزی بسوی تو می آید، شتابان به تورو آورده تو را می خواهد و نزدیک است گریبان ترا بگیرد و عمرت بسر آید و جانت را ملک الموت گرفته باشد و تنها بگورت رفته باشی، و جانت بتو بر گردد و دو فرشته بنام منکر و نکیر بر

**\* ای مردم دل خود را اکنده از**  
**ترس خدا کنید و بیاد آورید که**  
**خدا در برگشت به حضرت او چه**  
**ثواب خوبی به شما وعده داده**  
**چونانکه شما را از عقاب سختش**  
**بیم داده زیرا هر که از چیزی**  
**ترسد از آن بر حذر باشد و هر که**  
**از چیزی بر حذر باشد آنرا ترک**  
**کند.**

تو بی اجازه در آیند تا از تو باز پرسی کنند و بسختی آزمایشت کنند هلا (آگاه باش) نخست پرسش آنان از تو از پروردگارت است که او را می پرستی، و از پیغمبرت که به تو فرستاده شده و از دینت که داشتی، و از کتابی که می خواندی و از امامی که از وی پیروی می کردی، و از عمرت که در چه گذرانندی و از مالت که از کجا آوردی و در کجا صرف کردی.

در حذر باش و خود را بپا، و پیش از موعد امتحان و پرسش و آزمایش، جواب را آماده کن، اگر مؤمن و عارف بحق دین و پیرو امامان راستگو و دوست اولیاء خدا باشی، خدا حجت خود را بتو آفقاء کند، و زیانت را بحق گویا کند، و خوب پاسخ بدهی و به بهشت و رضوان خدا مزده گیری، و فرشته ها با روح و ریحان تو را استقبال کنند، و اگر چنین نباشی زیانت به لرزه افتد و دلیلت بوج باشد، و از پاسخ بمانی ومزده دوزخ بستانی، و فرشته های عذابت با آب جوش و فروزش دوزخ پذیرایت گردند. ای آمیزاده بدان که دنبال این رو رستاخیز است که بزرگتر و هراسناکتر و دردآورتر است آن روزیکه مردم گرد آیند و روزی نامور است، خدا در آن همه اولین و آخرین را گرد می آورد، روزیکه در صور دمند و هر که در گورها است بر آورند، این است روز قیامت آنگاه که دلها بسینه و حنجره طپد در حالیکه نفس نکشند، آن روز است که از لغزش ننگرند، و از کسی غرامت بعوض جرم نگیرند و از احدی عنبر نپذیرند و برای کسی جای توبه نمانده و بقیه در صفحه ۶۵

مشاهده کردم هلی کوپترهای عراقی بر بالای سرراندگان لودر و بلدوزر به پرواز درآمده و مرتب آتش می ریختند ولی این انسانهای صبور و با ایمان بدون توجه به کارشان ادامه می دادند در رابطه با روحیه برادران باید گفت که همه میدانند که بسیجی رزمنده جلوی رود خط را می شکند یک درگیری نزدیک با اسلحه سبک دارد. آن مقدار راهی را هم که طی می کند تا به خط برسد در سکوت و آرامی می گذراند بدون اینکه حتی دشمن متوجه اش بشود تازه اینکه می تواند با دست برای خودش سنگر بسازد. اما درست در لحظه ای که برادران رزمنده خط را می شکند، راننده های لودر و بلدوزر حرکت را آغاز می کنند و از ابتدای خط که دشمن متوجه شده است و باران آتش ادامه دارد لیبک را می گوید و اکثر رضاً برضاتک پیش می روند و به محض اینکه به رزمندگان می رسند در دید مستقیم تانکها و تیربارهای دشمن با آن دستگاههای بزرگ شروع به زدن خاکریز می کنند درحالیکه خود جان پناهی ندارند که این خود ایمانی برخاسته از عمق وجدانهای بیدار را طلب می کند. خداوند یارشان باشد

والسلام

## اربعین....

جز پاداش خوش کرداری و سزای بدکرداری نیست، هرکه مؤمن بوده و در این دنیا بوزن ذره ای کار خیر کرده نتیجه آنرا ببیند و هرکه مؤمن بوده و در این دنیا بوزن ذره ای کار بد کرده آنرا دریابد.

ای مردم از گناهان و نافرمانیها که خدا شما را از آنها نهی کرده و در کتاب صادق و بیان ناطق خود بر حذر داشته بر حذر باشید و از مکر و هلاک کردن خدا در امان نباشید. وقتی شیطان لعین شما را بدان می خواهد و شهوتهای نقد و لذتهای این دنیا میراند زیرا خدا می فرماید: (۲۰۰ - الاعراف) «راستی آن کسانی که تقوی دارند چون یک شیطان به آنها برخورد یادآور شوند و بناگاه بینا گردند».

دل خود را آکنده از ترس خدا کنید و بیاد آورید که خدا در برگشت به حضرت او چه ثواب خوبی به

شما وعده داده و چونانکه شما را از عقاب سختش بیم داده زیرا هرکه از چیزی ترسد بر حذر از آن باشد و هرکه از چیزی بر حذر باشد آنرا ترک کند. از غافلان مباشید که بزندگی شکوفان دنیا رو کنند آنانکه نیرنگ بدکردار بازند و خدای تعالی درباره آنها فرماید (۴۷ - النحل) آیا کسانی که نیرنگ بدکرداری زدند ایستند از اینکه خدا بزمیشان فرو برد یا از آنجا که بفهمند عذاب بر سرشان آید یا در حال کار و بار آنرا بگیرد و نتوانند از خود دفاع کنند یا آنها را در هراس بگیرند.

در حذر باشید از آنچه خدایتان بر حذر داشته از آنچه با ستمکاران کرده و در قرآنش بیان نموده و در امان نباشید از اینکه بشماها نازل شود برخی از آنچه مردم ستمکار را در قرآن بر آن تهدید کرده است. خداوند بدیگران شما را بند داده و خوشبخت کسیست که به دیگری پند گیرد و هرآینه خدا در قرآنش بگوش شما رسانده آنچه را با مردم ستمکار پیش از شما کرده است آنجا که فرموده است (۱۲ و ۱۱ - انبیاء) ... از آنچه خداوند شما را بی رغبت خواسته که زندگی نقد دنیا است، زهد ورزید. زیرا خدا فرموده و گفته اش درست است (۲۵ - یونس) همانا مثل زندگی این دنیا چون آبی است که از آسمان فرود آوریم و بدان گیاه زمین درآمیزد که مردم و چهار پایانش خورند تا چون زمین بر و بار خود را گرفت و آراسته شد و مردمش پنداشتند که بر آن تسلط دارند. شبی یا روزی فرمان ما در آن درگیرد و آنرا درو کنیم که گویا دیروز هم نبوده، آیا همچنین ترا شرح کنیم برای مردمی که بیندیشند. بدینا تکیه نکنید زیرا خدا به محمد (ص) فرموده (۱۱۵ - هود) به این دنیا و هرچه در آنست تکیه نکنید بمانند کسیکه آنرا خانه دانمی و وطن ثابت خود ساخته زیرا دنیا خانه کوچ و منزل گذر است و خانه عمل است. شما در آن از اعمال صالحه توشه بگیرید پیش از آنکه روزگارتان پراکنده شود و بهم خورد و خدا اجازه ویرانی آنرا بدهد، همانکه آنرا از نخست آباد کرده و آفریده و براننش کند و او بماند و زمین.

ومن از خدا برای خود و شماها خواست داریم بر توشه برداری از تقوی و زهد در دنیا کمک عطا کند. خدا ما را و شما را از زاهدان نسبت به نقد این دنیا و از راغبان در ثواب آینده آخرت مقرر سازد. همانا ما از آن او هستیم و باو زنده ایم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. (تحف العقول صفحہ ۲۵۳)

## جهادگران مجریان....

طول زندگیم به پاهای قطع شده اش نگاه میکنم. زحمتش را مانند آن وقتی که کودک خرد سال بود می کنم. جنگ را، اسلام را و قرآن را فراموش نمیکنم. مردم وقتی آنها را می بینند، مردم وقتی به من و تو می نگرند یاد آنها هستند، نشود خدای نخواستہ ما نه تنها برای خودمان کار نکنیم بلکه به ضرر خودمان کاری بکنیم، نشود خدای نخواستہ وقتی که چهره ها آشکار می شود چهره من و تو چهره انسان نباشد «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ» روستانی به من و تو بادید قداست نگاه میکرده، خیال می کرده که ما آدم خوبی هستیم اما روز قیامت که میشود از ما نفرت پیدا کند و فاصله بگیرد. روز قیامت که میشود عذاب ما آنچنان باشد که آنها را اذیتشان بکند. روز قیامت که می شود ما به صورت مورچه و میمون محشور بشویم و یا چندین چهره و چندین زبان محشور بشویم. روایات می گوید انسانها مختلف محشور می شوند.

امام امت در موقع موعظه اش می فرمود شخصی به محضر امام صادق (ع) آمد گفت یا بن رسول الله من آمده ام از شما در خواست کنم که روز قیامت شفاعتم کنی، وساطت کنی مرا که به بهشت بروم و به سعادت برسم. امام می فرمود، امام جعفر صادق در جوابش گفت من ضامن شفاعتم اما به شرط آنکه انسان وارد بشوی، این پیرجماران و این مجسمه خلوص و توجه الی الله، آنکسی که سالیان دراز باید بگذرد و انسانهای خالص بیایند تا او را بشناسند، فرمود این جمله امام صادق کمر انسان را می شکند، آیا می شود ما انسان محشور بشویم یا نمی شود؟ اما باب سعادت و فرصت امروز فراوان است. کارهایی به عنوان عبادت زیاد است که من و تو می توانیم انجام بدهیم. ماهها و زمانها فرصت است. انقلاب فرصت است.